

از گوشه و کنار

اعتبار پیشگیری از اعتیاد به اندازه یک کمپین رسانه‌ای هم نیست



رئیس گروه پیشگیری از اعتیاد سازمان بهزیستی کشور گفت: اعتبارات پیشگیری از اعتیاد بسیار اندک است و حتی برای برگزاری یک کمپین رسانه‌ای نیز کافی نیست.

ماریت قازاریان افزود: در ادیبهشت امسال کمپین‌های رسانه‌ای به منظور پیشگیری از مصرف گل در نیمی از استان‌های کشور برگزار شد. طی این کمپین پیام‌های مختلف درباره گل از طریق پیام‌های چاپی مانند بلیورد، از طریق رسانه‌های الکترونیک مانند انتشار مصاحبه کارشناسان در رسانه‌های استانی و از طریق رسانه‌ای محیطی به‌طور مثال نصب تبلیغ روی اتوبوس‌های شهری و برگزاری نمایش‌های خیابانی به مردم منتقل شد.

وی تصریح کرد: اعتبارات پیشگیری از اعتیاد بسیار اندک است و نمی‌توانیم دیگر اقداماتی مانند برگزاری کمپین رسانه‌ای انجام دهیم اما اگر جایی در خواست‌های موردی برای سخنرانی یا مشاور داشته باشد، از آن حمایت می‌کنیم. قازاریان همچنین به خانواده‌ها هشدار داد: درصد کنند که فرزندان‌شان اوقات فراغت خود را کجا و با چه کسانی سپری می‌کنند و اگر تغییر رفتاری مشاهده کردند از مشاور و متخصص کمک بگیرند چرا که این تغییر رفتارها می‌تواند نشانه آغاز مصرف مواد باشد. وی خاطرنشان کرد: خط ۰۹۶۲۸ ویژه مشاوره تلفنی اعتیاد برای خانواده‌ها است. والدین باید اطلاعات و آگاهی خود را افزایش دهند چرا که اطلاع از تبعات مصرف یک ماده موجب پیشگیری از اعتیاد می‌شود.

امام جمعه بيله‌سوار: ازدواج کودکان شبيه به جنایت است



امام جمعه بيله‌سوار در استان اردبیل گفت: شنیده‌ام برخی از آقایان در سن بالا از مناطق روستایی و حاشیه و خانواده‌های نیازمند و محروم همسر کم سن و سال اختیار می‌کنند. به نظر من این مساله هیچ به شیب به جنایت است. چون این بیچه بدون شک به بلوغ فکری، جسمی و حتی جنسی نرسیده است.

اصغر جدائی یکی از مخالفان کودک همسری است و این پدیده را به شدت منع می‌کند. او می‌افزاید: هم از نظر عقل و هم فطرت، کودک همسری خوب نیست. امروزه شرایط زمان و مکان تغییر کرده است و بهتر است قوانین نیز در این باره اصلاح شود.

اگر خودمان را جای این کودکان بگذاریم، هیچ کدام از ما حاضر به تحمل این شرایط نخواهد بود. وی افزود: روایت داریم یکی از زیباترین بناها، بنای خانواده است. تشکیل زندگی و خانواده مدیریت می‌خواهد. بدون شک این بیچه‌ها نمی‌توانند زندگی‌شان را مدیریت کنند و از هر زاویه‌ای به کودک همسری نگاه کنید با عقل جور در نمی‌آید.

جدائی با اشاره به سن ازدواج ندارد. در واقع باور من اصراری به سن ازدواج ندارم. در واقع باور من این است که آیا جوان‌های ما وقت ازدواج‌شان شده است یا خیر؟ ممکن است جوانی به سن ۲۵ سالگی هم رسیده باشد اما از لحاظ بلوغ فکری شرایط ازدواج را نداشته باشد. امام جمعه بيله‌سوار با بیان این که ازدواج و تشکیل خانواده، تشکیل یک کانون مقدس است گفت: متأسفانه در جامعه ما آمار طلاق بالا رفته و این نگران کننده است. گرچه ممکن است عامل طلاق‌ها فقط کودک همسری نباشد اما طلاق‌هایی هم به این دلیل رخ داده است. این افراد به بلوغ فکری نرسیده‌اند یا ممکن است تحت تاثیر مادر و پدر باشند. به همین دلیل نمی‌تواند مستقل عمل کنند. زندگی‌شان را مدیریت کنند و طلاق رخ دهد.

کافه‌ها امروز برای جامعه ما، پاتوقی است نیمه فرهنگی که فضایش به طرز خاصی فرد یا افراد را از فضای حاکم بر کوچه و خیابان واز اتمسفر جریانات حاکم بر زندگی روزمره، جدami کند و برای مدتی آن‌ها رادر نوعی فانتزی خودساخته و نرم فرومی‌برد

کافه با چنین ازدحامی می‌تواند در پجه‌ای باشد برای رشد فرهنگی جوانان کشور، جوانانی که به‌رغم حساسیت‌های زیادی که در مورد آنان وجود دارد؛ کمتر به فضای نشاط و تفکر و اوقات فراغت آنان پرداخته شده است و تقریباً هیچ کار علمی در این مورد انجام نگرفته است و در واقع جوانان نیز مثل بسیاری از مسائل کشور به حال خود رها شده‌اند و فقط رفتارهای بازدارنده و محدودکننده در مورد آن اتفاق می‌افتد. در واقع پدیده فراغت و تفریح از نگاه کارگزاران سیاسی، فرهنگی و اجتماعی پنهان مانده یا نادیده گرفته شده است و هنگام مواجهه با این نیاز هم اغلب جهت‌دار برخورد کرده‌اند را محدود می‌کنند. این محدودیت‌ها طبعاً موجب می‌شوند جوانان آسیب‌های اجتماعی بیشتری ببینند. برای ایجاد چنین فضاهای مناسب نیاز به نظرات کارشناسی، جامعه‌شناسان و مدیران فرهنگی است که به‌صورت علمی و با در نظر گرفتن مؤلفه‌های پویایی فرهنگی، تکثرگرایی اجتماعی ... راهکار ارائه دهند.

دوم: جایی اشاره کردیم که کافه با کافی‌شاپ یکی نیست. کافه جایی است که از شما صرفاً با نوشیدنی گرم و سرد با یک یا شیرینی در کنارش پذیرایی می‌کنند و همین‌امادر کافی‌شاپ، منو گسترده‌تر است و شامی توانید در کنار نوشیدنی‌ها، از غذاهای گرم و سرد هم استفاده کنید.

سوم: در برخی کافه‌ها و کافی‌شاپ‌ها سیگار یا ممنوع است و یا برای سیگاری‌ها فضای جداگانه‌ای در نظر گرفته شده است. البته بعضی کافی‌شاپ‌ها هم هستند که از قوانین تخطی می‌کنند و قلیان هم به مشتریان عرضه می‌کنند، در این مورد می‌توانید شکایت کنید.

چهارم: تهران حدود ۲۵۰ کافه و کافی‌شاپ دارد که البته هر روز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود. اما خوب است بدانید که بجز کافه‌های سیار، بقیه کافه‌ها و کافی‌شاپ‌ها، مجوز دارند.

را در اختیار نسل جوان قرار می‌دهند. جوانان به‌تر تییسی خود را از فضای گاه‌لبالبا از سوءتفاهم خانواده و کوچه و خیابان و محل کار و خستگی‌های روزمره به کنج کافه‌ها می‌کشاند تا فکرشان را آزاد و با هم گفت‌وگو کنند، گفت‌وگویی که حتی ممکن است گاهی بی‌سوز باشد، اما به هر حال نوعی تبادل انرژی روحی در این میان اتفاق می‌افتد.

برخی از جامعه‌شناسان نیز مسئله افزایش حضور جوانان در کافه‌ها را بی‌ارتباط با افزایش آمار تجرد نمی‌دانند. به باور آنان به هر صورت تجرد به‌هر دلیلی سبب گسترش احساس تنهایی در بین جوانان شده و کافه‌ها مکانی هستند که می‌توان این تنهایی ملال‌آور را پر کرد. شلوعی این مکان‌ها نشان می‌دهد که کافه‌ها در میان جوانان جای خود را باز کرده‌اند و بخشی از زندگی جوان‌امروزی ایرانی شده‌اند و البته هر روز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود، چرا که به‌طور ناخودآگاه کافه‌ها با حضور افراد غریبه یک نوع جامعه کوچک به‌وجود می‌آورند که افراد در آن حس هم‌شکلی دارند و این حس که افرادی که به این مکان‌ها می‌آیند شبیه خودشان هستند یا از لحاظ فکری به هم نزدیکند. این مسئله به آن‌ها آرامش می‌دهد و باعث می‌شود مدام به کافه‌ها سر بزنند. به این ترتیب، کارکرد کافه و کافی‌شاپ برای بخشی از جامعه جوان ایرانی این روزها این است که آن‌ها را از انزوا و در خانه نشستن یا در تنهایی فرو رفتن - که طبعاً حال‌ها را بد می‌کند - بیرون می‌کشد، هر چند ممکن است کافه رفتن هم چاره کار نباشد؛ اما از هیچ بهتر است آن‌ها هم وقتی پای یک قهوه داغ در میان باشد.

چند نکته فراموش شده!

اول: در حوزه جامعه‌شناسی هنجارهای مصرف در جوانانی که در حال رفت‌وآمد به کافی‌شاپ‌ها هستند باید گفت اگر هدف جوانان با حضور در این فضاها رفع خستگی روزانه یا حضور در کنار دوستان یا همسر و خانواده باشد و بخوانند ساعتی را با هم سپری و با یکدیگر تبادل نظر کنند مفید و ارزشمند است، اما متأسفانه برخی کافی‌شاپ‌ها تبدیل شده‌اند به محلی برای اتلاف وقت و کشیدن قلیان توسط دختران و پسران.

بنابر این باید نوعی نظام ارزشی و هنجاری برای چنین فضاهایی تعریف بشود. در اغلب نقاط دنیا، کافه و کافی‌شاپ، محل تجمع روشنفکران یک جامعه است و اغلب جنبش‌های فکری، ادبی، هنری و حتی سیاسی از دل کافه‌ها برآمده‌اند. بنابر این فضای

بزرگ امروز، ضرورتی حیاتی دارند، کافه‌ها مکان‌هایی‌اند برای تخلیه انرژی‌های منفی و تعامل اجتماعی در جامعه.»

ناصر فکوهی می‌گوید: «به نظر من، چنین فضاهایی برای شهرهای بزرگ ضرورتی حیاتی دارند. این امر البته به معنای آن نیست که این فضاها آسیب‌پذیر یا آسیب‌زانیستند، اما تصور این که بتوان یک کشور بزرگ را با جمعیتی در حد ۸۰ درصد شهری، و غالباً با سرمایه‌های فرهنگی بالا، بدون حوزه‌های عمومی گسترده و فراوان و متنوع، اداره کرد کاملاً توهمی است. هر اندازه این کافه‌ها، این پاتوق‌ها، این مراکز تجمع که می‌توانند بنا بر سبک زندگی و تمایلات آدم‌ها متفاوت باشند، بیشتر باشند، برای بازتولید سیستم اجتماعی و سالم‌سازی آن بهتر است.» وی باتاکید بر این که کافه پدیده‌ای جهان‌شمول است، چنین ادامه می‌دهد: «کافه را می‌توان این‌گونه تعریف کرد به‌وجود آمدن گروهی از مردم برای یک مبادله کوتاه‌مدت که اساس این مبادله کوتاه خوردن در مفهوم غذا نیست، بلکه نوعی از تغذیه است که نقش اصلی در سیستم تغذیه ندارد، کافه جایی است که افراد نوشیدنی سرد یا گرم را می‌خورند و مدتی بر آن جامی می‌مانند. کنش در کافه، کنش غیر تغذیه‌ای است و بیشتر نوشیدنی است. چنین پدیده‌ای همیشه به نوعی و در هر مقطع زمانی وجود داشته است.»

با چنین توضیحی این واقعیت سر بر می‌آورد که کافه‌ها این روزها به پای ثابت تفریحات جوان‌ها تبدیل شده‌اند، روشنفکرها، جوانان اهل شعر و ادب و بحث‌های فلسفی و عشاق و البته جمع‌های دوستانه در کافه‌ها به هم می‌رسند. حتی هستند کسانی که نه برای شادی بلکه برای غصه خوردن پای ثابت کافه‌ها شده‌اند! کسانی هستند که با کافه‌نشینی عادت شام خوردن را فراموش کرده‌اند و به جای غذا به یک و نوشیدنی داغ و سرد عادت کرده‌اند و همین می‌شود که شب‌ها در میان دوراهی رستوران و کافه، اولویت با یک کافه دنج است. در این میان البته کافه مدرن و لوکس از رقابت جامی‌ماند، چرا که کافه‌بروهای حرفه‌ای، کافه‌های دنج با تم کمی‌گه‌تر ترجیح می‌دهند.

از تنهایی مگر به‌تنهایی مگر بیز! جوانان ایرانی این روزها به تعامل، تمایل بیشتری دارند؛ فضای تعاملی که جنبه مثبت آن ترویج فرهنگ گفت‌وگو با یکدیگر است. گفت‌وگویی که به نوعی می‌تواند کاهش‌دهنده خشونت و تنش باشد. کافه‌ها این امکان را در نگاه اول تا حدودی عجیب به نظر می‌رسد.

کافه‌ها و کافی‌شاپ‌ها؛ پر شمار و پر مخاطب‌اند

فضایی برای آرام گرفتن

جوانان ایرانی این روزها به تعامل، تمایل بیشتری دارند؛ فضای تعاملی که جنبه مثبت آن ترویج فرهنگ گفت‌وگو با یکدیگر است. گفت‌وگویی که به نوعی می‌تواند کاهش‌دهنده خشونت و تنش باشد. کافه‌ها این امکان را در اختیار نسل جوان قرار می‌دهند. جوانان به‌تر تییسی خود را از فضای گاه‌لبالبا از سوءتفاهم خانواده و کوچه و خیابان و محل کار و خستگی‌های روزمره به کنج کافه‌ها می‌کشاند تا فکرشان را آزاد و با هم گفت‌وگو کنند.



رادر کافه‌های می‌گذارند. خیلی از برنامه‌های فرهنگی و حتی جشن‌های کوچکی مثل جشن تولد یا جشن سالگرد ازدواج و گاه جشن رونمایی و امضای یک کتاب تازه چاپ شده، در کافه برگزار می‌شود.

کافه و کافی‌شاپ - که البته با هم فرق دارند! - جایی است سرشار از همدلی؛ این را مشتری‌های ثابت کافه‌ها می‌گویند: برای بچه‌هایی که محفل گپ‌وگفت کتاب و فیلم دارند، یا اصلاً فقط برای ایند، میز ثابت‌شان بودن به این‌جا می‌آیند، میز ثابت‌شان همیشه آماده است. کافه‌چی با شناختی که از مشتری‌های ثابت دارد گاهی بی‌هیچ پرسشی مہیای پذیرایی از آن‌ها می‌شود و این کار به مشتری‌های ثابت احساس خوشایندی می‌دهد، احساسی که ترکیبی است از آشنایی و دیده شدن و در امنیت بودن. به همه این‌ها اضافه کنید داستان همیشگی و سنتی «حساب دفتری» را که ماهانه شارژ می‌شود و بعضی از مشتری‌ها از آن استفاده می‌کنند تا وقتی پولی در بساط ندارند هم بتوانند با خیال راحت به کافه بیایند.

کافه امروز برای افراد جامعه ما، فرقی نمی‌کند که جوان باشند، میانسال باشند یا پیر، پاتوقی است نیمه فرهنگی که فضایش به طرز خاصی فرد یا افراد را از فضای حاکم



آذر فخری، روزنامه‌نگار

یک جمع سه چهار نفری هستند؛ گاهی کم و گاهی زیاد، اما پای ثابت‌شان همین سه چهار نفرند که هفته‌ای سه روز به این کافی‌شاپ می‌آیند، دور همان میز همیشگی می‌نشینند و درباره موضوعی که از قبل مشخص کرده‌اند یا درباره کتابی که خوانده‌اند، یا درباره فیلمی که همه‌شان دیده‌اند، صحبت می‌کنند. گاهی چای یا قهوه با یک سفارش می‌دهند، گاهی هم مفصل‌تر از خودشان پذیرایی می‌کنند.

مشتری‌های این چنینی کافی‌شاپ کم نیستند؛ دانشجویایی که برای درس خواندن می‌آیند، عشاقی که برای دیدار و گفت‌وگومی‌آیند و البته کسانی که از خانه فراری‌اند و به قول خودشان از آن دهه شخصی‌ها و هفتادی‌ها هستند که دیگر نه در خانه جایی دارند و نه در سطح اجتماع چون نه توانسته‌اند کاری پیدا کنند و نه توانسته‌اند از دواج کنند. پس برای این که کنکاست و بر خورد کمتری با خانواده داشته باشند معمولاً تنهایی یا یادوستی، ساعت‌های روزشان را در کافی‌شاپ می‌گذرانند.

کافه‌نشینی این روزها در جامعه ما بسیار باب شده است. اغلب جوانان و حتی بزرگ‌ترها، خیلی از قرارهای شان

یادداشت

«احساس تنهایی» محصول تکنولوژی عصر ارتباطات است

با تنهایی اجتماعی انسان مدرن چه کنیم؟

داشتند و با گرفتاری‌هایی که متخصص دنیای تکنولوژی است، مثل «احساس تنهایی» دست به گریبان نبودند. باتوجه به توضیحات مطرح شده «احساس تنهایی» ربطی به سن، جنسیت، وضعیت تاهل، و نوع شغل افراد ندارد.

نوعی احساس تهی بودن و خلأ درونی است، در چنین وضعیتی آدمی حس انزوا را تجربه می‌کند؛ و می‌خواهد از دنیا و همه دوستان، آشنایان و خانواده که زمانی دلخواه او بوده‌اند و با آنها ارتباط و تعامل برقرار می‌کرده، جدا شود. البته نکته حائز اهمیت آن است که «احساس تنهایی» مساوی و برابر با «تنها بودن» نیست و ضروریست میان این دو مفهوم با یکدیگر تمایز قائل شویم؛ زیرا «تنها بودن» یعنی شما به خواست و انتخاب خویش ترجیح می‌دهید بدون برقراری ارتباط و تماس با دیگران، خوشحال زندگی کنید و البته لازم به ذکر است این نوع تنهایی هیچ آسیب اجتماعی



فاطمه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

امروزه باتوجه به دنیای مدرن ارتباطات و تکنولوژی میزان «احساس تنهایی» در میان افراد بیشتر از گذشته دیده می‌شود. روزگار امروز، انسان‌ها را در یک تکنولوژی به اندازه یک کف دست محبوس کرده و آنها را در جستجوی محبت خواهی و رفع احساس تنهایی‌شان در دالان‌های متنوع فضای مجازی به امید آنکه از احساس تنهایی درونی‌شان کاسته شود، سرگردان کرده است. آنچه که دقیقاً سبب تفاوت نسل گذشته با نسل حاضر شده است هم، زیر سر همین تکنولوژی دنیای دیجیتال است؛ افراد نسل قبل شاید تعداد دوستان‌شان به تعداد انگشت‌های یک دست هم نمی‌رسید، اما با یکدیگر احساس نزدیکی و صمیمیت خالصانه‌ای

اختلالات و آسیب‌های روانی از قبیل اضطراب و افسردگی نیز منجر شود. کارشناسان پیرو مطالب عنوان شده معتقدند دلایل بسیاری در شکل‌گیری و پدید آمدن «احساس تنهایی» دخیل هستند که آثار متفاوتی هم بر افراد مختلف بر جای می‌گذارد. در واقع در راستای مطالعات انجام شده در حوزه روانشناسی می‌توان گفت «احساس تنهایی» برابر با وجود شکافی میان تعاملات اجتماعی و ارتباطات بین فردی مورد انتظار شخص با آنچه در واقعیت موجود است، تعریف می‌شود.

بر این اساس رویکرد روان‌تحلیلی معتقد است «احساس تنهایی» که از درون فرد و اعماق وجودش سرچشمه می‌گیرد سبب می‌شود فرد نتواند خودش را دوست داشته باشد و یا نتواند از سوسوی دیگران دوست داشته شود؛ پیرو همین مطالب می‌توان تاکید کرد، این احساس دوست داشتنی نبودن و منزوی بودن به دوران کودکی فرد و همچنین نحوه تعاملات فرد با والدینش برمی‌گردد؛ ممکن است آنها نطفه دوست داشتنی نبودن را از همان اوان کودکی در ضمیر ناخودآگاه وی گذاشته باشند؛

و اختلالی را به همراه ندارد؛ از این‌رو «تنهایی» زمانی مساله، مشکل و یا اختلال به حساب می‌آید که شمار در میان جمع باشد ولی بطرز عجیبی از «احساس تنهایی» رنج ببرید، در چنین حالتی باید تعاملات و ارتباطات را رصداً کنید و بدنبال گیر و گرفتاری در آنها باشید. روانشناسان اعتقاد دارند، هراز گاهی تجربه «احساس تنهایی» در زندگی شخصی افراد، امری طبیعی قلمداد می‌شود؛ حال آنکه اگر احساس تنهایی از حد معمول فراتر رود و به صورت مداوم در زندگی شخصی تداوم پیدا کند به منزله زنگ خطری محسوب می‌شود که از وجود یک سری مشکلات و اختلالات در روابط میان فردی شخص خبر می‌دهد.

به گفته کارشناسان و متخصصین روانشناس منزوی بودن و احساس تنهایی شدید، تاثیرات منفی عمیقی بر سلامت جسمانی و روانی فرد دارد و این احساس ممکن است به بروز